

نام خدا... طرح نمایش خیابانی : **چمدان**، آدم های بازی : سه ساواکی، در ببحوحه و اوج تظاهرات مردم ایران بر علیه دولت شاه و درگیری و اعتراضات و پخش اعلامیه ها و سخنرانی های حضرت امام و ریختن خون مردم توسط سربازان شاه، سه ساواکی که از طرف ریس شان ماموریتی داده میشود و آن سه از موقعیت استفاده کرده و از بانکی چمدان بزرگی را می دزدند تا پول های چمدان را بین خودشان تقسیم کنند و هر کدام با پول دزدیده شده از بانک آرزوها و فکری در سر دارند. ساواکی ها هر کدام برای تصاحب این چمدان پراز پول برای همدیگر نقشه هم می کشند و هر کدام برای سربه نیست کردن دیگری تا حد مرگ هم پیش میروند.... در اوج این کشمکش و دعوا و تصاحب ناگهان از دور ها صدای انقلابیون را می شنوند که هر لحظه به آن سه نزدیک می شوند. ساواکی از ترس انقلابیون ، دست به کار شده و با عجله در چمدان را باز می کنند تا هر چه زودتر پول ها را برداشته و فرار کنند. چمدان باز میشود و با نهایت تعجب و بهت و حیرانی از داخل چمدان انواع اعلامیه ها و عکس ها و کاست سخنرانی های امام بیرون می آید و آن سه چاره ای جز پخش آن وسایل بین مردم را ندارند. چرا که انقلابیون به آن سه نزدیک و نزدیک تر میشوند. ساواکی تمام محتویات چمدان را بین مردم پخش می کنند. تمام، علیرضا قاسمی